

# نسیخه

دوفصلنامه علمی تخصصی فلسفه اسلامی  
سال سوم / شماره اول / پیاپی ۴ / بهار - تابستان ۱۳۹۶

## اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس<sup>۱</sup>

شهناز شهریاری نسیانی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور رفع بخشی از معضلات نظام تربیتی و حرکت در جهت تدوین پشتوانه نظری - فلسفی بومی، در زمینه اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن بر اساس دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس انجام شد. روش پژوهش تحلیلی - استنباطی است و نتایج بیانگر این است که هدف نهایی تعلیم و تربیت از نظر ابن‌سینا دستیابی به سعادت حقیقی (عقل مستفاد) است و اهداف واسطه‌ای ذیل مراتب نفس، ابزاری هستند برای تحقق این هدف، و بایسته‌های آنها زیر چتر بایسته‌های هدف نهایی قرار می‌گیرند. بنا بر یافته‌ها، دیدگاه ابن‌سینا به تعلیم و تربیت رسمی محدود نمی‌شود و سلامت جسم نیز در هر مرتبه باید مورد توجه قرار گیرد. نظام تربیتی ابن‌سینا نیز نظامی عقلانی است و شهود در دیدگاه او همان شهود عقلی می‌باشد. پژوهش همچنین نشان می‌دهد که گزینش معلمان برجسته، شروع آموزش با رشد نسبی جسمانی و توجه به تفاوت‌های فردی، در میزان تحقق اهداف، نقشی اساسی دارد.

### کلید واژگان

مراتب نفس، حدس، اهداف تعلیم و تربیت، بایسته‌ها، ابن‌سینا.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲.

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان. (shahriari329.phe@gmail.com)

## مقدمه

تعلیم و تربیت همواره برای تمامی جوامع و ملت‌ها مهم بوده و امروزه نیز تنها راه تحقق انسان واقعی، و به تبع آن، وسیله‌ای منحصر به فرد برای رشد و پیشرفت هر چه بیشتر جوامع و دستیابی آنها به کمال مطلوب است.

از آنجا که انسان موضوع تعلیم و تربیت است و با عنایت به اینکه نزد فلاسفه - اعم از فلاسفه یونان، همچون افلاطون و ارسطو، فلاسفه مسیحیت و به ویژه فلاسفه اسلامی - آدمی علاوه بر جسم مادی از صورتی مجرد و روحانی به نام نفس برخوردار است که بر احساسات، ادراکات، حرکات و سکنت او تأثیر می‌گذارد و در واقع مبدأ صدور همه احوال و افعال اوست. در تربیت نباید تنها به بعد جسمی انسان پرداخت و از جوهر وجود او غافل ماند. در واقع تعلیم و تربیتی ارزشمند است که به تمام ابعاد وجودی انسان، آن هم به صورت هماهنگ، توجه کند.

علی‌رغم صرف هزینه‌های بسیار در سیستم آموزشی کشور، نگاهی گذرا به این سیستم و مشاهده سردرگمی‌های افراد تحصیل‌کرده، عدم مهارت، ناتوانایی و ناکارایی این افراد و بی‌کاری برخی دیگر و همچنین عدم انگیزه، دزدگی و ترک تحصیل فراگیران حاکی از آن است که توجه به جوهر وجودی فرد (نفس) در نظام آموزشی ما با آن سابقه دیرینه‌ای که در زمینه تعلیم و تربیت دارد، مغفول مانده است. صاحب‌نظران نیز در این زمینه نظری مشابه دارند و اذعان می‌کنند که نظام تعلیم و تربیت ما سطحی و ابزاری است؛ سطحی است، از این رو که محتوا و روش‌ها با نیازها و علایق فراگیران پیوند کافی ندارد یا با خلاقیت و نوجویی همراه نیست، و جنبه ابزاری دارد؛ زیرا به صورتی افراطی وسیله کسب منزلت اجتماعی و امنیت شغلی است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر بیان برخی پیشنهادها از قبیل جایگزینی «آیه‌بینی» با «پدیده‌بینی» در نظام آموزشی و طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و روش‌های تربیتی متناسب با این رویکرد<sup>۲</sup> و نوشتن مقالاتی مبنی بر ارائه الگوهای نظری در نظام تعلیم و تربیت با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، بیانگر لزوم تجدید نظر در نظام آموزشی حاکم و ضرورت وجود پشتوانه نظری - فلسفی مستحکم و بومی برای تعلیم و تربیت کشور به دلیل ضعف‌ها و چالش‌های موجود است. از این رو در پژوهش حاضر دیدگاه ابن‌سینا - به عنوان اندیشمندی مسلمان، پرورش یافته در فرهنگ ایرانی و پیشگام در طرح مباحث تربیتی از میان

۱. محمدجعفر پاک‌سرشت، «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۲۰، ص ۱۴۱.

۲. حسن ملکی، تعلیم و تربیت و مهندسی فرهنگی، ص ۴۶.

## اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس ۶۵

فلاسفه مسلمان، که به تفصیل به بحث نفس پرداخته و نوآوری‌های وی در این عرصه بیانگر اهتمام بسیار جدی او به بحث نفس است به گونه‌ای که می‌توان نفس را محور فلسفه او، و او را فیلسوف نفس‌ناامید - برای بیان اهداف تعلیم و تربیت بر اساس نفس به منظور رفع بخشی از معضلات موجود و حرکت در جهت تدوین چارچوب نظری - فلسفی جامع که در فرهنگ ایرانی - اسلامی نشو و نما یافته باشد، انتخاب گردید.

در خصوص اهمیت‌گزینش اهداف به عنوان موضوعی مستقل برای پژوهش، می‌توان به این نکته نیز اذعان داشت که برای آغاز و انجام تربیت، پیش از هر چیز باید مقصد روشن باشد و با توجه به اینکه اهداف هستند که مقاصد را روشن می‌سازند و مربی را در تعیین اجزا، ترتیب و ترکیب آموزش یاری می‌دهند، پرداختن به اهداف تعلیم و تربیت ضرورت می‌یابد. از سویی به نظر می‌رسد که مشخص نمودن هدف بر اساس جوهر وجودی فرد، ارائه‌دهنده طرح جامع‌تری از ویژگی‌های انسانی است که قرار است تربیت شود. آنچه در این رابطه در دیدگاه ابن‌سینا وجود دارد این است که هدف نهایی تعلیم و تربیت، خداشناسی و رسیدن به قرب الهی است<sup>۱</sup> و شناخت نفس، نردبانی است برای شناخت خدا.<sup>۲</sup> بنابراین می‌توان به طور ضمنی دریافت که تعلیم و تربیت مبتنی بر نفس<sup>۳</sup> است که انسان را به هدف نهایی تعلیم و تربیت نائل می‌گرداند. از آنجا که تحقق هر هدفی نیازمند ملزوماتی است، ذکر بایسته‌ها که بیان‌کننده این ملزومات است، قابل دستیابی بودن هدف را نزد مخاطب و مربی ملموس‌تر می‌سازد و این یعنی ارائه تصویری روشن از امکان تحقق هدف.

علی‌رغم وجود تحقیقات متعدد در آثار ابن‌سینا، متأسفانه در رابطه با موضوع پژوهش، فقر پژوهش وجود دارد و تحقیقات پیشین نیز مباحث تعلیم و تربیت را به صورت کلی و بدون لحاظ کردن مقوله نفس مورد توجه قرار داده یا اینکه محققان سهم اندکی برای اهداف تعلیم و تربیت با تکیه بر نفس، آن هم در سطحی بسیار محدود، قائل شده‌اند.<sup>۴</sup>

۱. ابن‌سینا، رسائل، ص ۲۷۵.

۲. همو، احوال النفس، ص ۱۴۷.

۳. منظور از تعلیم و تربیت مبتنی بر نفس، تعلیم و تربیت مبتنی بر اعتقاد به وجود نفس و متناسب با مراتب و درجات این جوهر وجودی و قوایی است که در آن به ودیعه نهاده شده است. از این رو اجرای تعلیم و تربیت بر اساس نفس، می‌تواند دربردارنده اهداف، مراحل، اصول و روش‌های کامل‌تری برای تعلیم و تربیت باشد.

۴. فاطمه زیباکلام و سمیرا حیدری، «بررسی دیدگاه ابن‌سینا در باب تعلیم و تربیت»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۳، ص ۱۰۵ - ۹۵؛ طاهره جاویدی‌کلاته جعفرآبادی، «رویکردهای فلاسفه اسلامی (ابن‌سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا) به نفس و دلالت‌های تربیتی آن»، دوفصلنامه انسان‌شناسی، ش ۷، ص ۲۱ - ۲۰؛

بر این اساس در پژوهش حاضر به منظور جبران بخشی از کاستی‌های پژوهش‌های پیشین، تلاش شده تا مبحث اهداف تعلیم و تربیت با محوریت موضوع نفس، به گونه‌ای نسبتاً جامع بررسی شود. در این راستا ابتدا نفس در دیدگاه ابن‌سینا و مراتب و قوای آن مورد مذاقه قرار گرفته و سپس اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن بر اساس مبنای مذکور استنباط و استخراج شده است. به طور کلی پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس است:

۱. هدف (اهداف) نهایی تعلیم و تربیت چیست؟
۲. اهداف واسطه‌ای تعلیم و تربیت کدام‌اند؟
- اهداف تعلیم و تربیت در مرتبه نفس نباتی کدام است؟
- اهداف تعلیم و تربیت در مرتبه نفس حیوانی کدام است؟
- اهداف تعلیم و تربیت در مرتبه نفس انسانی کدام است؟
۳. بایسته‌های لازم برای تحقق هر یک از اهداف (نهایی و واسطه‌ای) چیست؟

### نفس در دیدگاه ابن‌سینا

از دیدگاه ابن‌سینا، نفس کمال اول است برای جسم طبیعی آلی ذی حیات بالقوه؛<sup>۱</sup> یعنی نفس کمال اول است برای جسم طبیعی‌ای که دارای آلات و ابزار است و افعال حیاتی را به کمک آن آلات انجام می‌دهد.

البته در اینجا ذکر چند نکته الزامی است. اول اینکه: منظور از آلات یا همان قید «آلی» در تعریف نفس، تنها اجزا و اعضا نیست؛ بلکه قوای مختلفی چون غاذیه و نامیه و... را نیز شامل می‌شود. دوم آنکه: اگر چه امکان صدور افعال حیاتی از قبیل تغذیه، نمو، تولید مثل و حرکت و ادراک توسط آلات وجود دارد، اما نطق به معنای ادراک کلیات، فعلی حیاتی است که در صدور نیازی به آلت ندارد، و نکته آخر اینکه: قید «ذی حیات بالقوه» بیانگر این است که بدن قابلیت دریافت حیات را دارد که این حیات از جانب نفس به آن افاضه می‌گردد.

ابن‌سینا همچون مقتدای فلاسفه مشاء، ارسطو، و فلاسفه اسلامی مسائل مربوط به نفس را در مبحث طبیعیات آورده و علت این امر را علاقه نفس به بدن از جهت تدبیر و تکمیل ذکر کرده است.<sup>۲</sup> وی علی‌رغم قرار دادن مسائل مربوط به نفس در حکمت طبیعی، با الهام از کلام خداوند و ائمه معصومین علیهم‌السلام به پیوند عمیق بین نفس و الهیات اشاره می‌کند و

۱. ابن‌سینا، رسائل، ص ۱۶۷.

۲. همو، الشفاء «الطبیعیات، المقاله الاولى»، ص ۱.

شناخت نفس را نردبانی برای شناخت خدا، و با استناد به آیه‌ای از قرآن،<sup>۱</sup> رابطه بین فراموشی نفس با فراموشی خدا را هشدار می‌دهد بر نزدیکی این دو حقیقت و تذکری بر وابستگی این دو معرفت می‌داند.<sup>۲</sup>

ابن‌سینا در آثار خود همچون *شفاء*، *نجات*، *مبدأ* و *معاد* و *رساله نفس*، در مقابل رأی افلاطون مبنی بر قدم نفس، به صراحت از حدوث نفس سخن گفته و حدوث نفس را هم‌زمان با حدوث بدن دانسته است؛ چنان‌که در *رساله نفس* بیان می‌دارد:

نفس مردم حادث است با حدوث بدن. این نفس پیش از بدن موجود نیست؛ بلکه چون جسم پدید آید و مستعد قبول نفس شود، مزاج خاصی از نفس از جانب واهب‌الصور به آن می‌پیوندد تا به تدبیر جسم بپردازد.<sup>۳</sup>

وی همچنین به اثبات این امر با اقامه براهینی مبتنی بر نادرستی موجود بودن نفس قبل از بدن به وصف کثرت<sup>۴</sup> و موجود بودن نفس قبل از بدن به وصف وحدت<sup>۵</sup> و... پرداخته است. اما شیخ در آثار مشرقی خود همچون *قصیده عینیه* و *رساله الطیر*، در زمینه حدوث نفس همچون آثار مشایبش تصریح ندارد و همین امر موجب اختلاف میان محققان شده است. در این خصوص ملاصدرا بر این نظر است که ابن‌سینا در این آثار همچون آثار مشایبش به حدوث نفس معتقد است و نه قدم آن.<sup>۶</sup>

ابن‌سینا نفس را روحانیه الحدوث و البقاء می‌داند؛ یعنی نفس آدمی از آغاز خلقت تا ابد مجرد است و وقتی که بدن آمادگی تعلق پیدا کرد، نفس به آن تعلق می‌گیرد. اگر چه شیخ - چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد - وجود بستر جسمانی شایسته و مستعد را به عنوان علت معده و زمینه‌ساز حدوث نفس از ناحیه مفارقات، ضروری می‌داند<sup>۷</sup> و از این رو جسمانیه الحدوث بودن نفس بدین معنا که نفس در حدوثش به عنوان زمینه و علت اعدادی به بدن نیاز دارد، در دیدگاه وی موجود است، اما از آنجاکه وی بدن را علت بالعرض نفس می‌داند<sup>۸</sup> نه علت

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر، ۱۹).

۲. ابن‌سینا، *احوال النفس*، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

۳. همو، *رساله نفس*، ص ۵۲ و ۵۴.

۴. همو، *النجاه*، ص ۳۷۶ - ۳۷۵؛ همو، *الشفاء* «الطبیعیات»، *المقاله الاولى*، ص ۹.

۵. همو، *رساله نفس*، ص ۵۲ - ۵۴.

۶. دیباجی، «نواوری‌های ابن‌سینا در علم النفس»، *فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، ش ۲۹، ص ۶۳ - ۶۴.

۷. ابن‌سینا، *الشفاء* «الطبیعیات، الفن الثالث»، ص ۱۹۹؛ همو، *احوال النفس*، ص ۳۴ و ۹۷؛ همو، *التعلیقات*، ص ۶۷.

۸. همو، *الشفاء* «الطبیعیات، الفن الثالث»، ص ۲۰۲.

ایجاد آن، و به تعبیری بیان می‌کند که نفس حادث است «با» حدوث بدن و نه «به» حدوث آن، باید گفت که جسمانیة الحدوث بودن نفس به معنایی که در تاریخ فلسفه مطرح است و نظریه ابداعی ملاصدرا محسوب می‌شود، در فلسفه ابن‌سینا وجود ندارد.<sup>۱</sup>

در نگاه ابن‌سینا نفس ناطقه به عنوان جوهری قائم به ذات، مفارق از مواد و مجرد از اجسام،<sup>۲</sup> تا زمانی که انسان زنده است، علاقه‌ای به بدن، همچون علاقه کارگر به ابزار کار خود دارد؛<sup>۳</sup> از این رو شیخ در خصوص ارتباط نفس و بدن به وجود رابطه تعلقی میان آنها معتقد است.

مطلب حائز اهمیت دیگر در نظام فلسفی ابن‌سینا در رابطه با نفس، خلود و جاودانگی نفس است. شیخ با هدف نفی آرای کسانی که نفس را جسم می‌دانستند و همچنین بطلان عقاید اهل تناسخ به چنین بحثی پرداخته و از میان نفوس، تنها نفس ناطقه را جاودان می‌داند که نظر صائب شیخ در این زمینه عبارت «فی أن الأنفس الإنسانية لا تفسد و لا تناسخ»<sup>۴</sup> است.

۱. در توضیح نظریه «جسمانیة الحدوث» ملاصدرا می‌توان گفت: اگرچه ملاصدرا نیز به نقش بدن در حدوث نفس اذعان دارد و بدن را زمینه حدوث و تحقق وجود نفس به شمار می‌آورد (ملاصدرا، *الحکمة العرشية*، ص ۲۳۵)، اما نفس را چنان‌که ابن‌سینا از همان ابتدا مجرد عقلانی می‌پنداشته، نمی‌دانسته است؛ بلکه به عقیده او نفس در ابتدای وجودش از لحاظ درجه، همسان با طبیعت جرمیه (همو، *مفاتیح الغیب*، ص ۵۵۸)، و صورتی جسمانی و حال در ماده، و تمام بدن است (همو، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، ج ۸، ص ۱۳ - ۱۲) که بر اثر حرکت جوهری، تکامل می‌یابد و در نهایت به مجرد عقلی می‌رسد (همان، ص ۳۹۵). از این رو رابطه نفس و بدن نزد ملاصدرا فراتر از علیت بالعرض، و رابطه ذاتی و وجودی است (همان، ص ۱۲). بنابراین از آنجا که ابن‌سینا نفس را منقطع در ماده نمی‌داند (ابن‌سینا، *التعلیقات*، ص ۱۷۶) و بدن را برای حدوث نفس علت بالعرض و اعدادی می‌داند و نه علت ایجاد آن، نظریه جسمانیة الحدوث به معنای مصطلح و مشهور آن برای ابن‌سینا وجود ندارد. علاوه بر این، انتقاد صدرا بر ابن‌سینا و مشائیان (ملاصدرا، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، ج ۸، ص ۱۲، ۳۸۴ و ج ۳، ص ۳۳۰) و بیانات صریح وی از قبیل «... بر اساس رأی مشائیان لازم می‌آید نفس طبق دو وجه پیش‌گفته، جسم باشد» (همان، ص ۳۴۵)، یا اینکه «... این عبارت بر جسمانیة الحدوث بودن نفس دلالت دارد، گرچه ابن‌سینا خود به چنین چیزی معتقد نیست» (همان، ج ۹، ص ۸۵)، خود شواهدی دیگر بر روحانیة الحدوث بودن نفس نزد ابن‌سیناست. البته به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ابن‌سینا و ملاصدرا هر دو معتقدند که اگر بدن نباشد، حدوث نفس هم امکانپذیر نیست و در واقع هر دو به نقش مهم بدن در زمینه حدوث نفس اذعان داشته‌اند، مطرح کردن جسمانیة الحدوث بودن نفس به معنایی که در دیدگاه ابن‌سینا بیان شد، اصلاً محلی برای بحث نداشته باشد.

۲. بحث مجرد نفس حیوانی به صراحت از جانب ابن‌سینا مطرح نشده است، اما حکیم فرزانه، آیت‌الله مصباح یزدی، با توجه به براهین شیخ در باب خلود و بقای نفس، اذعان می‌دارند که بر اساس براهین ابن‌سینا چنین استنباط می‌گردد که ایشان مرتبه‌ای از مجرد (تجرد خیالی) را برای نفس حیوانی نیز قائل بوده است (مصباح یزدی، *شرح اسفار*، ج ۸، ص ۱۹۱).

۳. ابن‌سینا، *احوال النفس*، ص ۱۹۶.

۴. همو، *رسائل*، ص ۲۷۰.

## مراتب نفس و قوای آن

ابن‌سینا، همچون فلاسفه پیشین، نفس را دارای سه مرتبه نباتی، حیوانی و انسانی دانسته که هر مرتبه دارای قوای مخصوص به خود است.

نفس نباتی کمال اول است برای جسم طبیعی آلی از آن جهت که تولید مثل می‌کند، رشد می‌یابد و تغذیه می‌کند.<sup>۱</sup> لذا نفس نباتی دارای سه قوه غذایی، منمیه و مولده است. قوه غذایی، غذا را از قوه به فعل در می‌آورد تا جایگزین آنچه تحلیل رفته، شود. قوه منمیه با استفاده از غذا رشد فرد را فراهم می‌آورد تا به غایت رشد خود برسد و قوه مولده جزئی از جسم را که بالقوه شبیه آن است، می‌گیرد و به کمک مواد دیگر و با امتزاج، فردی شبیه اولی پدید می‌آورد.<sup>۲</sup> دومین مرتبه نفس، نفس حیوانی است که از جهت ادراک جزئیات و حرکت بالاراده، کمال اول برای جسم طبیعی آلی است.<sup>۳</sup> این مرتبه از نفس دارای دو قوه محرکه و مدرکه است. قوه محرکه خود به دو قسم محرکه باعثه و محرکه فاعله تقسیم می‌شود. قوه محرکه باعثه همان قوه نزوعیه یا شوقیه است که بر اثر تخیل صورتی خواستنی یا گریختنی، قوه محرکه فاعله را به حرکت درمی‌آورد که این قوه دارای دو شعبه قوه شهویه و قوه غضبیه است<sup>۴</sup> و قوه محرکه فاعله، قوه‌ای است که در اعصاب و عضلات قرار دارد و کارش این است که عضلات را تحریک کند.<sup>۵</sup> قوه مدرکه نیز همچون قوه محرکه بر دو قسم است: قوه مدرکه از خارج و قوه مدرکه از داخل. قوه مدرکه‌ای که از خارج ادراک می‌کند، همان حواس پنج‌گانه (هشت‌گانه) بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه (داور در تضاد بین گرمی و سردی، داور در تضاد بین خشکی و رطوبت، داور در تضاد بین سختی و نرمی و داور در تضاد بین زبری و صافی) است و قوه مدرکه از داخل، شامل حواس باطنی فنطاسیا (حس مشترک)، مصوره (خیال)، متصوره (متخیله - مفکره)، متوهمه و حافظه می‌باشد.<sup>۶</sup>

بالاترین مرتبه نفس، نفس انسانی است که علاوه بر دارا بودن کمالات نفوس نباتی و

۱. ابن‌سینا، النجاة، ص ۳۱۹.

۲. همو، رساله نفس، ص ۱۳-۱۴.

۳. همو، احوال النفس، ص ۵۸-۵۹.

۴. همان.

۵. ابن‌سینا، الشفاء «الطبیعیات، المقالة الاولى»، ص ۳۳.

۶. همو، رساله نفس، ص ۱۶-۲۳.

حیوانی، بر ادراک کلیات نیز توانایی دارد؛ چنان‌که در تعریف این مرتبه از نفس آمده است: نفس انسانی کمال اول است برای جسم طبیعی آلی از جهت اعمال فکری ارادی و استنباط به رأی و از جهت ادراک کلیات، و قوای این نفس به دو قوه عالمه و عامله تقسیم می‌شود که به هر دو را به اشتراک لفظ، عقل می‌گویند.<sup>۱</sup>

این دو قوه به منزله دو چهره نفس‌اند: آن چهره از نفس که به طرف بدن است و از طریق آن در بدن تصرف می‌کند و لازم است که اثری از مقتضیات و لوازم بدن و طبیعت بدن را نپذیرد، عقل عملی و چهره‌ای که رو به سوی مبادی عالیه (عقل فعال) دارد و لازم است که پیوسته از آنجا اقتباس علم کند، عقل نظری است.<sup>۲</sup> ابن‌سینا عقل نظری را قوه ادراک امور کلی<sup>۳</sup> و عامل پیدایش علوم،<sup>۴</sup> و عقل عملی را آغاز تحریک شوق<sup>۵</sup> و منشأ اخلاق<sup>۶</sup> دانسته است. عقل عملی به عنوان قوه‌ای که تدبیر امور بدن را به عهده دارد، نیروی کارهای جزئی را که انجام دادن آن بر آدمی واجب است، از مقدمات بدیهی و مشهور و تجربی، بیرون می‌آورد تا به هدف‌های اختیاری که دارد برسد و در این کار به ملاحظه رأی کلی از «عقل نظری» کمک می‌گیرد تا به جزئی برسد.<sup>۷</sup> بنا بر نظر شیخ این قوه باید بر سایر قوای بدنی تسلط یابد و بر آنها تأثیر گذارد؛ چراکه اگر این قوه تحت تأثیر بدن قرار گیرد و در آن هیئت انقیدادی حاصل شود، اخلاق رذیله پدید می‌آید. در مقابل، اگر این قوه منقاد بدن و قوای جسمانی نباشد، اخلاق حسنه حاصل می‌شود.<sup>۸</sup>

عقل نظری به عنوان چهره دیگر نفس، خود شامل چهار مرتبه عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد است.

عقل هیولانی یا بالقوه به عنوان اولین مرتبه عقل نظری، نسبت به صورت معقول در حکم قوه مطلق یا استعداد محض است. در این مرتبه هیچ چیز از آن قوه به فعلیت نرسیده و آنچه

۱. ابن‌سینا، النجاة، ص ۳۲۸ و ۳۳۰.

۲. همو، رساله نفس، ص ۲۶.

۳. همو، رسائل، ص ۸۸.

۴. همو، الشفاء «الطبیعیات، مقاله الاولی»، ص ۳۹.

۵. همو، رسائل، ص ۸۸.

۶. همو، الشفاء «الطبیعیات؛ مقاله الاولی»، ص ۳۸.

۷. همو، الاشارات و التنبيهات، ج ۲، ص ۳۵۲.

۸. همو، النجاة، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ الشفاء «الطبیعیات، مقاله الاولی»، ص ۳۸.



اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس

باید این قوه را از فعلیت بیرون آورد، هنوز حاصل نشده است. این مرتبه از عقل که در همه افراد نوع انسان موجود است به دلیل شباهت آن به هیولای اولی که فاقد هر صورتی است اما می‌تواند موضوع همه صور باشد، عقل هیولانی نام گرفته است.<sup>۱</sup> بنابراین پایین‌ترین مرتبه عقل، عقل هیولانی است که فاقد هر گونه صورت عقلی است، اما قابلیت ادراک و پذیرش معقولات را دارد.

دومین مرتبه عقل نظری، عقل بالملکه است که نسبت به صورت معقول در حکم قوه ممکنه است. در این مرتبه، معقولات اولی یا بدیهیات برای عقل حاصل می‌شود تا از طریق آنها به معقولات ثانویه برسد.<sup>۲</sup> از این رو در این مرتبه، عقل از مرتبه هیولانی می‌گذرد و از قابلیت محض خارج می‌شود و کمالی برای آن حاصل می‌گردد که همان معقولات اولی است. گاهی نسبت قوه نظری به معقولات خود نسبت قوه کمالیه است و آن هنگامی است که صور معقوله کسب‌شده، بعد از حصول اولیات در آن حاصل شده باشد؛ اما عقل اکنون آنها را مورد مطالعه قرار نمی‌دهد و بالفعل به آن مراجعه نمی‌کند؛ بلکه این معقولات نزد آن ذخیره شده‌اند و هر گاه که بخواهد، آن صور را بالفعل مطالعه و تعقل می‌کند و می‌فهمد که آنها را تعقل کرده است. به این مرتبه از عقل، عقل بالفعل می‌گویند.<sup>۳</sup> بنابراین عقل نظری در سومین مرتبه خود مخزنی از معقولات، اعم از معقولات اولیه و ثانویه است.

چهارمین مرتبه عقل نظری، عقل مستفاد نام دارد و آن هنگامی است که نسبت قوه نظریه به صور مدرکه خود نسبت فعل مطلق باشد. در این مرتبه صورت معقوله نزد عقل حاضر است و عقل بالفعل آن را تعقل می‌کند و بالفعل مشغول تعقل بودن خود را نیز تعقل می‌کند.<sup>۴</sup> در این مرتبه که مرتبه تعقل تعقل است، قوه انسانی به مبادی نخستین وجود مشابهِت می‌یابد.<sup>۵</sup> آدمی در این مرتبه، که غایت کمال انسان است، در علم و اخلاق به فضیلت می‌رسد و در این غایت، نفس او در مرتبه «ملک» است؛ چراکه نفس در این مرتبه جوهری است عملی.<sup>۶</sup> بنابراین در مرتبه عقل مستفاد، کمال عقل نظری، که عالم عقلی‌ای است که صورت

۱. ابن‌سینا، الشفاء «الطبیعیات، مقاله الاولی»، ص ۳۹.

۲. همو، احوال النفس، ص ۶۶.

۳. همو، الشفاء «الطبیعیات، مقاله الاولی»، ص ۴۰.

۴. همو، احوال النفس، ص ۶۷.

۵. همو، الشفاء «الطبیعیات، مقاله الاولی»، ص ۴۰.

۶. همو، رساله نفس، ص ۲۶.

کل عالم و نظام عقلانی در کل عالم در آن ارتسام یافته، و کمال عقل عملی، که دستیابی به فضیلت عدالت است که از فضایل نظری بیرون است،<sup>۱</sup> برای آدمی حاصل می‌گردد. به بیان دیگر رسیدن به مرتبه عقل مستفاد با تلازم عقل نظری و عملی و به بالاترین درجه رسیدن هر یک محقق می‌گردد.

ابن سینا بیان می‌کند که آنچه عقل را از مرتبه بالملکه به فعلیت تمام و از هیولانی به بالملکه می‌رساند، افاضات جوهری مفارق به نام عقل فعال است<sup>۲</sup> و نسبت این عقل به نفوس ما همانند نسبت خورشید به چشمان ماست. همان‌گونه که خورشید، خود ذاتاً مورد رؤیت است و با نور بالفعل آن مرئی‌هایی که بالفعل نیستند، مبصر بالفعل می‌شوند، عقل فعال نیز برای نفوس، چنین است.<sup>۳</sup> در واقع از دیدگاه ابن‌سینا عقل فعال حقیقتی است که باعث ارتقای عقل از مرتبه استعداد محض به مرتبه کمال (عقل مستفاد) می‌گردد.

ابن سینا گذشته از مراتب چهارگانه عقل نظری، از عقل دیگری به نام «عقل قدسی» نام می‌برد. وی ضمن بیان عقل بالملکه به وجود این عقل اشاره کرده و آن را از جنس عقل بالملکه، اما در مرتبه‌ای بالاتر از آن و مرتبه عالی قوه حدس<sup>۴</sup> دانسته است. ابن‌سینا وصول به این مرتبه را که به علت شدت صفای نفس، در هر مورد می‌تواند از عقل فعال پذیرش داشته باشد و صور موجود در عقل فعال را در خود مرتسم سازد، برترین قوای نبوت و بالاترین مراتب قوای انسانی دانسته است.<sup>۵</sup>

### اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن

از آنجا که تربیت به معنای کشاندن آدمی به سوی ارزش‌ها، راهی است برای گذر از قلمرو زیست حیوانی به سپهر زندگانی انسانی،<sup>۶</sup> لازم است که این امر مقدس به صورتی انجام پذیرد که این هدف مهم را برآورده سازد. از این رو در این پژوهش با محور قرار دادن

۱. ابن‌سینا، الشفاء «الإلهیات، المقالة العاشرة»، ص ۴۵۵.

۲. همو، الأشارات و التنبيهات، ج ۲، ص ۳۵۴.

۳. همو، الشفاء «الطبیعیات، المقالة الخامسة»، ص ۲۰۸.

۴. ابن‌سینا در کتاب نجات تعریف حدس را چنین آورده: حدس عبارت است از حرکت به سوی برخورد به حد وسط، هنگامی که مطلوب معین شده باشد، و یا برخورد به حداکثر، هنگامی که حد وسط به دست آمده باشد و خلاصه عبارت است از انتقال سریع از معلوم به مجهول (ابن‌سینا، نجات، ص ۱۶۹).

۵. همو، الشفاء «الطبیعیات، المقالة الخامسة»، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.

۶. میرعبدالحسین نقیب‌زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ص ۱۸.



اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس

دیدگاه ابن‌سینا راجع به ماهیت انسان و نگاه موشکافانه وی در بحث مراتب تکاملی نفس، تربیت با توجه به مراحل کمال و رشد فرد در جهت مثبت به گونه‌ای که سعادت او را به همراه داشته باشد، در نظر گرفته شد.

با توجه به دیدگاه ابن‌سینا در رابطه با نفس، برای تعلیم و تربیت می‌توان دو دسته هدف تعریف کرد: اهداف نهایی و اهدافی که وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف نهایی هستند؛ یعنی همان اهداف واسطه‌ای. از آنجا که هدف‌های پایین‌تر پیش‌نیاز هدف‌های بالاتر هستند و تحقق آدمیت انسان در هر مرتبه در گرو تحقق نسبی آن در مراتب قبل است، به فعلیت رساندن همه قابلیت‌ها و توانایی‌های موجود در هر مرتبه در بالاترین سطح آن و در جهت مثبت، الزامی است.

### اهداف نهایی

#### دستیابی به سعادت حقیقی

بنا بر نظر ابن‌سینا آن چیزی که تحصیل آن بر انسان لازم و واجب است و نباید از تلاش و کوشش در آن راه کوتاهی کند بر دو قسم است: یکی خود سعادت و دیگری راهی که او را به سعادت حقیقی می‌رساند. سعادت حقیقی از منظر ابن‌سینا همان سعادت اخروی است و منظور از سعادت اخروی، رسیدن به مقام قرب و سدره‌المنتهی تحت عرش رحمانی است که در این وقت جمیع حقایق برای آدمی منکشف می‌شود؛ موجودات عالم علوی را مشاهده می‌کند؛ همه وسائط و حوایج میان آدمی و معشوق لذاته و حق بذاته برطرف می‌شود و به ریاست عالم و سلطنت حقه دست می‌یابد.<sup>۱</sup>

#### تشبه نفس به جواهر عقلی (رسیدن به مرتبه عقل مستفاد و اتصال با عقل فعال)

از دیدگاه ابن‌سینا کمال نفس انسان این است که از امور حسی، خوردن و آشامیدن و سایر افعال بدنی که از روح نباتی و حیوانی منبث است فراتر رود و به مجردات دست پیدا کند و به جواهر عقلی مشابهت یابد.<sup>۲</sup> چنین هدفی هنگامی محقق می‌شود که عقل نظری از مرتبه عقل هیولانی، بالملکه و بالفعل گذر کرده باشد و به مرتبه عقل مستفاد - که ابن‌سینا به دلیل به فضیلت رسیدن آدمی در علم و اخلاق در این مرتبه، آن را غایت کمال انسان و مرتبه تشبه قوه انسانی به مبادی نخستین وجود می‌داند - دست یابد.

۱. ابن‌سینا، رسائل، ص ۲۶۰-۲۶۳ و ۲۷۵-۲۷۶.

۲. همان، ص ۳۰۲.

این هدف که با هدف نهایی نخست (دستیابی به سعادت حقیقی) متناظر است، هنگامی محقق می‌شود که آدمی استعداد کافی داشته و وجود خود را از موانع پاکسازی کرده باشد؛ چنان‌که ابن‌سینا در کتاب *اشارات* بیان می‌کند: «برای نفس تو ممکن است که نقش عالم عقلی را بر حسب استعداد و زوال مانع در خویش مرتسم سازی».<sup>۱</sup>

زوال مانع بیانگر لزوم تهذیب و تزکیه نفس به دلیل تعلق نفس به بدن و قوای متضاد نفس است. توضیح مطلب آنکه - همان‌گونه که در قسمت مراتب نفس و قوای آن بیان شد - احکام عقل عملی بر اساس آرای عقل نظری صادر می‌شود. از آنجا که کشش‌ها و کشمکش‌های نفسانی توازن عقل را سلب می‌کنند و آن را، هم در حیظه نظر و اندیشه و هم در حیظه عمل و کردار به خطا می‌راند،<sup>۲</sup> لذا عقل نظری باید از کشمکش‌های نفسانی رها شده باشد. در رابطه با عقل عملی نیز ابن‌سینا معتقد است که سعادت حقیقی جز به اصلاح جزء عملی نفس به کمال خود نمی‌رسد<sup>۳</sup> که تأکید شیخ بر اصلاح این جزء را باید به دلیل رابطه آن با بدن و نقشی که در ارتباط با عقل نظری برای دریافت معرفت از عقل فعال دارد، دانست.

شیخ در کتاب *مباحثات*، نقش مهم تهذیب نفس را در ترسیم عالم عقلی به صورت صریح‌تر متذکر می‌شود؛ چنان‌که می‌گوید: «هنگامی که آدمی نفس خود را تزکیه و تهذیب کند و حجاب‌های مادی را از آن دور بگرداند، آماده قبول فیض آسمانی می‌شود».<sup>۴</sup>

اما منظور از استعداد شخص، همان حصول ملکه اتصال برای نفس به منظور پذیرش صور معقول است. ابن‌سینا معتقد است وقتی میان نفس‌های ما و آن عقل مفارق نوعی پیوستگی حاصل گردد، متناسب با استعداد معین هر فردی، صورت‌های عقلی ویژه‌ای از آن موجود مفارق خارجی در نفس ما مرتسم می‌گردد.<sup>۵</sup>

۱. ابن‌سینا، *الاشارات و التنبيهات*، ج ۳، ص ۴۰۱.

۲. خسرو باقری، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳. ابن‌سینا، *الشفاء للإلهیات، المقالة التاسع*، ص ۴۲۹. ابن‌سینا در کتاب *رسائل* بیان می‌کند: «آنچه نفس را از لطافت اولیه و رسیدن به مقامات عالی و درجات متعالی بازمی‌دارد، متابعت نمودن و اطمینان حاصل کردن به قوای مضره مفسده عرافه و فعاله است؛ قوه عرافه از جهت عقاید باطل، فاسدکننده و ضرررساننده به نفس ناطقه است و قوه فعاله شامل سه قوه شهویه، غضبیه و مدبره است». اگر چه شیخ معتقد است که وجود قوای فعاله که از نفس نباتی و حیوانی منبث است، خالی از حکمت نیست، اما به عقیده وی گاهی افعالی از قوای شهویه و غضبیه صادر می‌شود که نسبت به نفس ناطقه در نهایت دنائت و پستی‌اند و لازم است که نفس ناطقه از آنها احتراز کند (ابن‌سینا، *رسائل*، ص ۲۲۷، ۲۷۶ و ۲۷۷).

۴. همو، *المباحثات*، ص ۲۷۸.

۵. همو، *الاشارات و التنبيهات*، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۶۵.

ابن‌سینا علل به وجود آورنده استعداد را در مراتب مختلف تکامل نفس بدین طریق بیان می‌دارد که سبب پیوستگی نفس انسانی به عقل فعال، نیروی دوری است که آن «عقل هیولانی» است و نیروی کسب‌کننده ملکه اتصال به عقل فعال، «عقل بالملکه» می‌باشد و سپس قوه دیگری است که دارای استعداد کامل است و آن «عقل بالفعل» نامیده می‌شود.<sup>۱</sup> اما این استعداد در پیوند با عقل عملی حاصل می‌گردد؛ زیرا همان‌طور که گذشت، عقل نظری در تلازم با عقل عملی است که باعث کمال نفس و دستیابی به عقل مستفاد می‌گردد؛ لذا توجه به عقل عملی به دلیل ارتباطش با بدن و تزکیه آن به موازات مراقبت و پرورش جنبه نظری عقل، ضروری است. به عبارت دیگر تهذیب جزء عملی برای اتصال هر چه بیشتر به عقل فعال و دریافت معقولات از آن منبع، ضروری است.

### اهداف واسطه‌ای

#### اهداف تعلیم و تربیت در مرحله نفس نباتی

#### حفظ حیات جسمانی و توجه به بقای نوع

آنچه در این مرحله از نفس باید مورد عنایت قرار گیرد، بقای شخص و بقای نوع است. ابن‌سینا در این باره بیان می‌کند که قوای مخدومه بر دو قسم‌اند: پاره‌ای برای بقای شخص و پاره‌ای دیگر برای بقای نوع. آنچه باعث بقای شخص می‌گردد، فعل دو قوه غذایی و نامیه است که اولی برای بقای شخص در غذا تصرف دارد و دومی او را به نهایت نشو و نمو می‌رساند و چون این دو قوه فعل خود را تمام کند و در شخص تغذیه و تنمیه پدید آید و مجاری و منافذ موسع شود و شخص در این دو فعل کامل گردد، طبیعت به اذن خالقش و به شرط تمامیت، بقای نوع را به قوایی دیگر یعنی مولده و مصوره طلب می‌کند.<sup>۲</sup> بنابراین آنچه در این مرحله باید صورت پذیرد حفظ حیات جسمانی و بقای نوع است که در این زمینه باید از دستورالعمل‌های دانشمندان زیست‌شناسی و متخصصین بهداشت و امور تغذیه بهره گرفت.

#### اثرپذیری جنین از حالات و رفتار مثبت مادر

از آنجاکه نفس در این مرحله نبات بالفعل و حیوان بالقوه است، باید گفت که این مرحله به دوره تکوین جنین و موقعیت او در رحم مادر اشاره دارد. جنین که جزئی از وجود مادر به

۱. ابن‌سینا، ص ۳۶۶.

۲. همو، قانون، ج ۱، بخش اول، ص ۲۶۶-۲۶۸.

شمار می‌آید، تحت تأثیر کیفیت حالات و رفتار مادر قرار می‌گیرد. از این رو از اهداف مهم تربیتی در این مرحله اثرپذیری جنین از رفتار و حالات روحی - روانی مثبت مادر است. ابن‌سینا در این زمینه خشمناک و اندوهگین نشدن مادر در دوران بارداری را توصیه می‌کند و معتقد است که این موارد، سلامتی جنین را به خطر می‌اندازد.<sup>۱</sup>

### اهداف تعلیم و تربیت در مرحله نفس حیوانی

#### پرورش حواس و جهت‌دهی صحیح به آنها

چنان‌که در مباحث مربوط به نفس حیوانی گذشت، وجه تمایز این مرتبه نفس از دیگر مراتب، ادراک جزئیات و حرکت ارادی است و از جمله این امور ادراکی، ادراک حسی است که خود شامل حواس ظاهری و حواس باطنی است. اگر چه نفس حیوانی در این مرحله بالفعل است، نفس انسانی همچنان بالقوه می‌باشد. بنابراین اعمال و افعال نفس در این مرتبه از دو مقوله حس و حرکت که مشخصه‌های نفس حیوانی‌اند فراتر نمی‌رود. از دیدگاه ابن‌سینا مبدأ معرفت اشیا حس است.<sup>۲</sup> وی همچنین بیان می‌دارد تا نخست محسوسات و خیالات نباشند عقل ما به فعل نیاید.<sup>۳</sup> از آنجا که کیفیت یادگیری‌های بعدی به میزان بسیار زیادی به کیفیت اطلاعاتی بستگی دارد که از راه حواس وارد می‌شود، می‌توان گفت آنچه در این مرتبه از نفس باید مورد توجه قرار گیرد، پرورش حواس است.

با عنایت به اینکه قوای نفس حیوانی با یکدیگر و همچنین با قوای دیگر نفس ارتباط دارند و این ارتباط موجب می‌شود دامنه فعالیت آنها از صرف ادراک و نگهداری فراتر رود، باید پرورش حواس و جهت‌دهی صحیح به آنها جدی‌تر دنبال شود. لزوم توجه جدی به این جهت‌دهی را می‌توان در کلام شیخ در رابطه با قوه متخیله دریافت که می‌گوید:

قوه‌ای که مبدأ وسوسه است قوه متخیله است، هر گاه مطیع نفس حیوانی باشد. و چون وجه حرکت آن مخالف با وجه حرکت نفس ناطقه است که متوجه عالم ملکوت اعلی

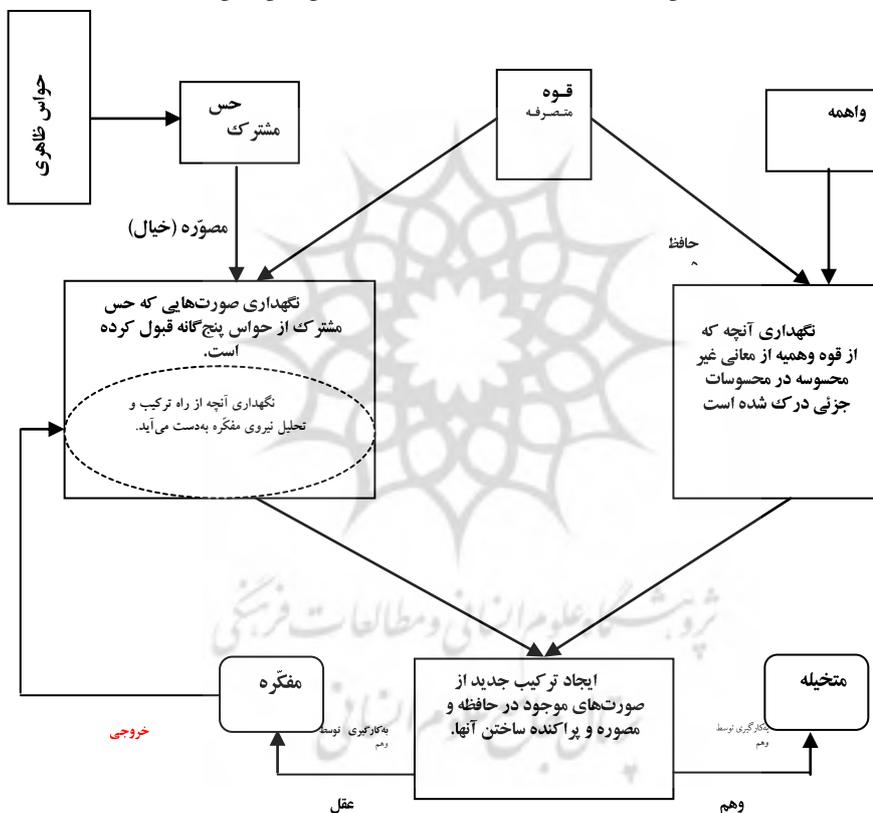
۱. ابن‌سینا، قانون، ج ۳، بخش دوم، ص ۳۱۷. بنا به اعتقاد ملاصدرا، نفس انسان، مادام که دوران جنینی را در رحم مادر می‌گذراند، در مرتبه نفوس نباتی است (ملاصدرا، مجموعه الرسائل التسعه، ص ۱۰۹)؛ چراکه نفس در این مرحله فقط از تغذیه و تمیبه و تولید برخوردار است و دارای حس و حرکت ارادی نیست (همو، الشواهد الربوبیه، ص ۳۱۶). البته تفاوت جنین انسان با سایر نباتات در این است که جنین انسان علاوه بر اینکه نبات بالفعل است، حیوان بالقوه نیز هست؛ یعنی می‌تواند از مرحله‌ای که در آن قرار دارد فراتر رود و به مرحله دیگر صعود کند.

۲. همو، التعلیقات، ص ۸۲.

۳. همو، دانشنامه علائی، ص ۱۲۴.

اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس

است، از این رو خناس است که نفس را به طرف عالم ماده و علائق ماده می‌کشاند و این قوه در سینه‌های مردم، که نخستین مکان برای نفس ناطقه است، وسوسه می‌کند.<sup>۱</sup> نمونه بارز ارتباط موجود میان قوا را که لزوم توجه جدی به پرورش حواس و جهت‌دهی صحیح آنها را به دنبال دارد، می‌توان در قوه متصرفه مشاهده کرد؛ چنان‌که شیخ اذعان می‌دارد این قوه بر دو خزانه مصوره و ذاکره متوجه است که محتویات این دو قوه را گرفته، به یکدیگر می‌آمیزد و پراکنده می‌سازد. چنانچه این قوه را عقل به‌کار برد، مفکره، و اگر وهم استعمال کند، متخیله نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> این امر که از وسعت دایره عمل قوه متصرفه نیز حکایت دارد در شکل ذیل قابل مشاهده است.



شکل ۱: اهمیت پرورش حواس به دلیل ارتباط موجود میان برخی از قوای نفس (منبع: نگارندگان)

۱. ابن‌سینا، رسائل، ص ۳۳۳ - ۳۳۴.

۲. همو، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۴۵.

پرورش حواس دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌ها را می‌طلبد؛ اما آنچه از دیدگاه ابن‌سینا برای تحقق چنین هدفی قابل استنباط است، بازی و داستان‌پردازی است. ابن‌سینا معتقد است که کودک به بازی و ارتباط با همسالان، دوستی و سخن گفتن با آنها و نشاط نیاز دارد<sup>۱</sup> که یکی از دلایل توجه شیخ به بازی را می‌توان پرورش حواس ذکر کرد. از این رو در نظر گرفتن بازی‌هایی که باعث به‌کارگیری هر چه بیشتر حواس می‌گردد و انتخاب اسباب‌بازی‌هایی که حواس و حرکات را بیشتر به‌کار می‌اندازد، مؤثر است. داستان‌پردازی نیز که باعث پرورش قوه تخیل می‌شود در آثار ابن‌سینا مشهود است؛ چنان‌که او در سه رساله *حی بن یقظان*، *رساله الطیر* و *سلامان و ابدال* از داستان برای بیان سیر و سلوک عرفانی استفاده کرده است.

### تأمین سلامت جسم و روان

بر اساس دیدگاه ابن‌سینا نفس در سیر تکاملی خود از جسم و ماده بی‌نیاز نیست و به‌کار بردن آلات بدنی در کنار افاضات جواهر عالی، یکی از دو عاملی است که باعث بیرون آمدن نفس از حالت بالقوه به بالفعل، و دستیابی آن به کمال می‌گردد؛ چنان‌که ابن‌سینا معتقد است ترتب جوهرهای عقلی متوقف می‌ماند و آن به وسیله آلات بدنی و چیزهایی که از افاضات موجودات عالی است به استکمال محتاج می‌باشد.<sup>۲</sup> از این رو توجه به سلامت جسم و مراقبت از آن، گذشته از مرحله نفس نباتی، در مرحله نفس حیوانی و نیز نفس ناطقه ضروری است. ابن‌سینا برای تأمین این سلامتی، ورزش را اساس برنامه بهبودی تندرستان دانسته و معتقد است که بین سنین خردسالی و نوجوانی باید به صورت معتدل انجام گیرد و بعد از چهارده سالگی آنچه مورد نیاز است برنامه رشد و نمو و بهداشت است.<sup>۳</sup> واضح است که این توجه، به جسم و مراقبت و پرورش آن باید در راستای رساندن نفس به کمال باشد، نه آنکه یکسره از نفس به سوی بدن معطوف گردد.

تأمین سلامت روان یکی دیگر از اهداف تربیتی مرحله نفس حیوانی است؛ چرا که مقتضای قوای حیوانی، داشتن افراط و تفریط است و وقتی قوای حیوانی قوی شدند در ذهن انسان هیئت اطاعت و اثری انفعالی حادث می‌شود که در نفس ناطقه رسوخ یافته و آن را سزاوار این می‌کند که علاقه قوی و بازگشت شدیدی به بدن داشته باشد<sup>۴</sup> که از جمله این قوا

۱. ابن‌سینا، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، ترجمه محمد نجمی زنجانی، ص ۴۵.

۲. همو، *الاشارات و التنبیها*، ج ۳، ص ۲۶۰.

۳. همو، *قانون*، ج ۱، بخش اول، ص ۳۶۵.

۴. همو، *الشفاء «الالهیات، المقاله التاسع»*، ص ۴۳۰.

همان قوه متخیله است که با وسوسه بسیار در سینه افراد، باعث عدم تعادل فرد و خارج شدن او از روند عادی زندگی، و در نهایت مانع از دستیابی نفس به کمال شایسته خود می‌شد. گذشته از لزوم جهت‌دهی صحیح قوا، اقدام مهم برای تأمین این سلامت از دید ابن‌سینا، القا کردن ضبط و مهار هیجانات است؛ چنان‌که وی اذعان می‌دارد باید مراقب بود که هیجانات به خشم یا ترس مجال بروز ندهند یا به واسطه دل‌مردگی و افسردگی، خاموش نشوند یا دستخوش بی‌قراری نگردند. باید به هیجاناتی مجال بروز داد که مطبوع و دلپذیرند و باید از امور انزجاربرانگیز اجتناب کرد.<sup>۱</sup> ابن‌سینا به سلامت روان کودک نیز توجه دارد و معتقد است که نباید کاری کرد که کودک به خشم زیاد، ترس زیاد، اندوه و شب‌بیداری زیاد برخورد کند یا دچار شود. هر چه را طفل آرزو کرد باید زود برآورده شود و از هر چه نفرت داشت از او دور گردد.<sup>۲</sup> همچنین توجه شیخ به نیاز کودک به برقراری ارتباط با همسالان، دوستی، سخن گفتن با آنها و نشاط - که در ذیل هدف قبل عنوان شد - را می‌توان عاملی برای تأمین این سلامتی دانست.

نکته درخور ذکر در رابطه با این هدف آن است که در فلسفه ابن‌سینا ضرورت تأمین سلامت جسم و روان تنها به دلیل نقش آن در وصول به مراتب کمال نیست؛ بلکه با توجه به اثرپذیری نفس و جسم از یکدیگر (رابطه متقابل بین نفس و بدن) در نگرش ابن‌سینا، توجه به سلامت یکی، تأمین‌کننده سلامت دیگری نیز هست. او در این باره می‌گوید: «خشم، مزاج را بیشتر از حالت اعتدال گرم می‌کند. اندوه، خشک مزاجی به بار می‌آورد و پژمردگی، نیروی روانی را سستی می‌بخشد».<sup>۳</sup>

### اهداف تعلیم و تربیت در مرحله نفس انسانی

#### ایجاد عادات، اخلاق و فضایل پسندیده

با نظر به اینکه ابن‌سینا ایجاد عادات ستوده و اخلاق نیکو و صفات پسندیده را قبل از آشنا شدن و نقش بستن عادات زشت و ناپسند در کودک مورد تأکید قرار می‌دهد،<sup>۴</sup> ایجاد عادات، و خلقیات پسندیده را می‌توان از جمله اهداف تعلیم و تربیت در مرتبه نفس انسانی دانست.

۱. ابن‌سینا، ابن‌سینا و تدبیر منزل، ص ۵۰ - ۴۹.

۲. همو، قانون، ج ۳، بخش اول، ص ۳۶۴.

۳. همو، قانون، ج ۳، بخش اول، ص ۳۶۴.

۴. همو، ابن‌سینا و تدبیر منزل، ص ۴۳.

از دیدگاه ابن سینا زمان شروع تربیت اخلاقی از پایان دو سالگی است؛ چنان‌که بیان می‌کند هنگام فطام بچه، یعنی زمانی که شیر خوردن بچه تمام شد و به غذاهای دیگر مبدل گردید، باید تأدیب و تربیت اخلاقی کودک را آغاز کرد<sup>۱</sup> که این امر به دلیل ویژگی‌های خاص کودک و قدرت اثرپذیری زیاد اوست. تأکید ابن سینا بر مواجهه ساختن کودک با اخلاق نیکو، صفات پسندیده و عادات ستوده برای سنین پایین است که هنوز قوه عامله نفس به فعلیت نرسیده؛ اما با پیشروی در مراتب عقل نظری به تدریج از میزان تربیت اخلاقی، به معنای مواجهه ساختن کودک با عادات پسندیده، کاسته می‌شود و رفتار متری بیشتر مستلزم جهت‌دهی می‌گردد؛ چراکه در این هنگام عقل عملی امکان صدور حکم بر اساس آرای عقل نظری را می‌یابد و بر اساس همین آرای و احکام است که مانع از تسلط قوای بدنی بر خود می‌شود و به ایجاد اخلاق حسنه می‌انجامد و بالعکس.

با توجه به تأکید ابن سینا بر مواجهه ساختن کودک با عادات پسندیده و بر کنار داشتن او از عاداتی که عیب شمرده می‌شود، می‌توان گفت آنچه به تحقق این هدف می‌انجامد، توجه ویژه به محیط و اصلاح اوضاع نامناسب محیطی است که کودک در آن به سر می‌برد؛ چراکه آدمی در تماس با محیط قرار دارد و بر اثر این تماس و با توجه به ویژگی اثرپذیری‌ای که دارد، ریشه برخی از افکار، نیات و رفتارهای او را باید در وضعیت محیطی او جست‌وجو کرد. در واقع محیط و اوضاع محیطی از عوامل بسیار مهم در ظهور و بروز عادات و شکل‌گیری شخصیت آدمی هستند. بنابراین سازماندهی محیط به گونه‌ای که متری در آن هر چه بیشتر از عادات بد دور نگه داشته شود و با عادات نیک مواجه گردد و این عادات در وجود او ملکه شوند، باید از اهم وظایف نظام تعلیم و تربیت باشد.

ابن سینا همچنین برای ایجاد عادت مطلوب و فضایل اخلاقی، اعمال روش‌هایی شامل تهدید و ترغیب، ستودن و مذمت، اقبال و اعراض، متوحش کردن از کار زشت و مأنوس نمودن به کردار نیکو و در صورت کافی نبودن این امور، کتک زدن کم اما دردناک کودک آن هم پس از ترساندن زیاد کودک و آماده کردن شفیعان<sup>۲</sup> را پیشنهاد می‌دهد که می‌توان گفت اینها روش‌هایی مثبت و منفی برای اصلاح رفتار نامطلوب و افزایش نیرومندی رفتارهای مطلوب از جانب مری و به اقتضای رفتار متری است.

۱. ابن سینا، ابن سینا و تدبیر منزل، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۴۴ - ۴۳.



اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس

نکته مهم در اینجا آن است که از نظر ابن‌سینا تنبیه و کتک زدن کودک باید آخرین راهکار برای اصلاح متربی باشد که این امر را می‌توان دلیلی بر آگاهی شیخ از آسیب‌ها و پیامدهای جدی تنبیه دانست.

### شناخت حقیقت وجودی خود به منظور تربیت آن (خودشناسی برای خودسازی)

به عقیده ابن‌سینا نزدیک‌ترین و محترم‌ترین امور نزد انسان، که سزاوار توجه است، نفس اوست<sup>۱</sup> و چنان‌که در مباحث پیش مطرح شد ابن‌سینا به وجود ارتباط و وابستگی بین معرفت خدا و معرفت نفس معتقد بود و خودشناسی را نردبانی برای خداشناسی می‌دانست. از آنجا که هدف از خودشناسی، خودسازی و رشد خود در مسیر تربیتی است، اهمیت این مسئله بیشتر آشکار می‌گردد.

در این زمینه آنچه مورد تأکید ابن‌سیناست، آگاهی یافتن از تمامی عیوب و صفات بد نفس و احاطه یافتن بر آن و کمک و مساعدت دوستی دانا و مهربان است. او می‌گوید:

کسی که می‌خواهد بر نفس خود سیاست کند و فاسد آن را اصلاح نماید، باید قبل از شروع این کار همه عیوب و صفات بد نفس را کاملاً بشناسد و بر آن احاطه یابد؛ زیرا اگر از عیبی غفلت شود و آن عیب از نظر او مخفی بماند، مانند زخمی است که ظاهراً بهبود یافته اما چرک در باطن آن باقی است و این چرک موجود در زیر پوست پس از مدتی قوت می‌یابد و دوباره زخم را تجدید می‌کند.<sup>۲</sup> از آنجا که ابن‌سینا در جریان شناخت نفس تنها آگاهی و شناخت خود فرد از عیوب خویش

را کافی نمی‌داند، مساعدت دوستی دانا و مهربان را نیز توصیه می‌کند. او در این باره می‌گوید:

معرفت و شناخت انسان درباره نفس خود مورد اطمینان نیست؛ زیرا آدمی در باب معرفت عیب‌های خود تیزهوش نیست؛ بلکه کندی و کودنی به خرج می‌دهد و در مقام محاسبه نفس، زیاد سهل‌انگاری می‌کند و دلیل دیگر آنکه عقل انسان در مقام نظر به احوال خود از مداخله هوای نفس ایمن نمی‌شود. از این رو آدمی در بحث از احوال و جست‌وجو از معایب خود به کمک دوستی خردمند نیازمند است که همچون آئینه، خوبی‌ها و زشتی‌هایش را به وی بنمایاند.<sup>۳</sup>

۱. ابن‌سینا، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۱۹ - ۱۸.

۳. همان، ص ۲۰.

### پرورش قوه عاقله و وصول به مرتبه عقل بالفعل (سومین مرتبه)

از دیدگاه ابن سینا عقل قوه‌ای است برای دریافت معانی کلی مجرد از ماده، و تفکر و اندیشه<sup>۱</sup> که مجهولات نیز به واسطه آن معلوم می‌گردند.<sup>۲</sup> وی همچنین بیان می‌کند که به انسان قوه تمییز داده شده و به سبب آن فرق بین خیر و شر و تفاوت بین رشد و گمراهی برای او معلوم شده است. تجهیز آدمی به این قوه برای آن است که آنچه را بین خالق و مخلوق است بشناسد و آفریدگار و صانع قدیم را برای عالم اثبات کند.<sup>۳</sup>

با توجه به چنین کارکردهایی و همچنین اهمیت و نقش انکارناشدنی این قوه در روند دستیابی به کمال نفس، ضرورت توجه هر چه بیشتر به پرورش آن در امر تعلیم و تربیت آشکار می‌گردد. از آنجا که وصول به مرتبه عقل مستفاد برای همه امکان‌پذیر نیست، پرورش قوه عاقله و وصول به سومین مرتبه از مراتب عقل نظری ما را به گنجاندن آن به عنوان یک هدف در داخل اهداف تربیتی سوق می‌دهد.

ابن سینا پرورش این قوه را در گرو به‌کارگیری هر چه بیشتر آن می‌داند و اذعان می‌دارد: برعکس قوای جسمانی، عقل هر چه بیشتر به کار گرفته شود و اعمال بیشتری انجام دهد، روی در فزونی و قوت می‌گذارد و چون مسئله دشواری را حل کند، همین امر او را در حل مسائل دشوارتر یاری می‌دهد.<sup>۴</sup> بنابراین قرار دادن تکالیف نسبتاً دشوار در بخشی از محتوا و برنامه درسی به گونه‌ای که ذهن را به چالش بکشید و فراگیر را به تلاش برای حل مسئله وا دارد، باید از اهم مسائل مورد توجه مسئولان نظام تعلیم و تربیت و به ویژه برنامه‌ریزان آموزشی و درسی باشد. از دیگر مواردی که باعث به‌کارگیری هر چه بیشتر این قوه می‌شود و به صراحت در دیدگاه ابن سینا ابراز شده، ترتیب دادن آموزش‌های گروهی و دسته‌جمعی<sup>۵</sup>، علم‌آموزی<sup>۶</sup> و تأمل درباره مسئله و تن دادن به محتمل‌الوقوع بودن آن<sup>۱</sup> است.

۱. ابن‌سینا، رسائل، ص ۳۰۲ ° ۳۰۱.

۲. همو، الشفاء «الالهیات، المقاله التاسع»، ص ۴۲۸.

۳. همو، ابن‌سینا و تدبیر منزل، ص ۴۰.

۴. همو، رسائل، ص ۳۰۴.

۵. همو، ابن‌سینا و تدبیر منزل، ص ۴۶ - ۴۵.

۶. همو، الشفاء «الالهیات، المقاله الاولى»، ص ۳. از دیدگاه ابن سینا همه علوم سودمندند و انسان را در رسیدن به مرتبه عقل بالفعل و سعادت یاری می‌دهند.



### قطع نظر از علائق مادی و دنیوی

از دیدگاه ابن‌سینا جوهر شریف نفس ناطقه که مستعید به رب است در اصل خلقت خالی از کدورت است و بر حسب جوهر اصلی از علائق مادی پاکیزه و منزّه، و قابل جمیع صور حقایق است و این لطافت و انوار، پیوسته با اوست و از آن زایل نمی‌شود، مگر به واسطه هیئتی که از قوای حیوانی وهم و خیال و غضب و شهوت در آن مرتسم می‌گردد.<sup>۲</sup> لذا اقدامی که باید مورد توجه قرار گیرد، کنترل قوای حیوانی نفس و جلوگیری از تسلط بی‌رویه آنها بر قوای ناطقه نفس است؛ چنان‌که ابن‌سینا بیان می‌کند که آدمی از علائق مادی و امور دنیوی خلاصی نمی‌یابد و نجات و وصول او به درجات عالی میسر نمی‌گردد، مگر آنکه نفس اماره را مهار کند، حواس ظاهری و باطنی را از شهوات و رفتار زشت محفوظ دارد، از هوی و هوس نفسانی و خیالات شیطانی پرهیز کند، باطن خود را مصفا و مزین نماید، از غیر حق دوری جوید و قلب خود را از خار و خاشاک معاصی پاکیزه کند.<sup>۳</sup>

ابن‌سینا در جای دیگر بیان می‌دارد که آدمی از این عالم و علائق آن بری نمی‌شود، مگر اینکه علاقه خود را به عالم بعدی تشدید کند و دارای شوق به چیزهایی باشد که در آنجاست و عاشق چیزی باشد که آنجاست.<sup>۴</sup>

### رشد شهودی متربی

شهود یا مکاشفه، شناختی است فراتر از ادراک حسی و عقلی و به اصطلاح، طوری ورای عقل است که آدمی از طریق آن، واقعیت‌ها را چنان که هستند، بدون واسطه مفاهیم و صور ذهنی، درمی‌یابد.<sup>۵</sup>

ابن‌سینا در تعلیقات به این مهم اشاره داشته و بیان می‌کند که با حس و عقل نمی‌توان حقایق اشیا و به عبارتی ماهیت حقیقی آنها را درک کرد. او بیان می‌دارد که آدمی نمی‌تواند حقیقت اشیا را بشناسد؛ حس، مبدأ معرفت به اشیاست و سپس با عقل بین متشابهات و متباینات تمییز می‌دهد و در این هنگام با عقل، بعضی از لوازم، افعال و خواص مندرج در آنها

۱. ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۳، ص ۴۱۸.

۲. همو، رسائل، ص ۳۲۷.

۳. همان، ص ۲۸۲.

۴. همو، الشفاء «الإلهیات، المقاله التاسع»، ص ۴۲۹.

۵. محمد حسین‌زاده یزدی، کاوشی در ژرفای معرفت‌شناسی: ۲: منابع معرفت، ص ۱۰۸.

را می‌شناسد و این معرفت، معرفتی مجمل و مختصر است.<sup>۱</sup> از این رو رشد شهودی متربی به عنوان یکی دیگر از اهداف تربیتی باید مورد توجه قرار گیرد.

در فلسفه ابن‌سینا آنچه با شهود ارتباط پیدا می‌کند، حدس است. توضیح مطلب آنکه از دیدگاه ابن‌سینا حدس، مبدأ تمامی علوم و دانش‌هاست.<sup>۲</sup> اما وی علاوه بر بیان ارتباط موجود میان حدس و حوزه عقلی، پیوند آن را با حوزه معنوی نیز یادآور می‌شود و آن، هنگامی است که این قوه در آدمی شدید باشد. شیخ می‌گوید این قوه در برخی از مردم چنان شدید است که نیازمند آموزش و اخراج از قوه به فعل نیست؛ بلکه استعدادی شدید برای اتصال به عقل فعال دارد.<sup>۳</sup> وی در کتاب *اشارات* نیز ضمن تطبیق مراتب چهارگانه با آیه ۳۵ سوره نور به همین امر می‌پردازد و بیان می‌کند که دریافت معقولات ثانی<sup>۴</sup> یا به اندیشه است، در صورتی که ناتوان باشد، یا به حدس است و حدس مانند سوخت است؛ در صورتی که از اندیشه توانا تر باشد و نام نفس در این مرتبه، «عقل بالملکه» است و نفس بزرگواری که در این مرتبه به قوه قدسی برسد، «یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار» درباره آن صادق است.<sup>۵</sup> بنابراین اتصال به عقل فعال بدون تشکیل مقدمات و توانا تر از اندیشه بودن حدس، یعنی چیزی و رای حس و عقل و این همان «شهود عقلی» در حکمت مشایی و مشرقی ابن‌سیناست.<sup>۶</sup>

آنچه باعث رشد شهودی متربی می‌شود، صفا و جلای باطن است؛ زیرا همان‌گونه که در مباحث مربوط به نفس و قوای آن مطرح شد، به علت شدت صفای باطن است که آدمی می‌تواند در هر مورد از عقل فعال پذیرش داشته باشد که این امر، چنان‌که در بحث مربوط به تشبه نفس به جواهر عقلی بیان شد، با خویشتن‌پالایی و تهذیب و تزکیه نفس میسر می‌گردد.

۱. ابن‌سینا، *التعلیقات*، ص ۸۲.

۲. همو، *النجاه*، ص ۳۴۰.

۳. همو، *الشفاء* «الطبیعیات، مقاله الخامس»، ص ۲۲۰.

۴. ابن‌سینا در کتاب *الهیات شفاء* کسب معقولات ثانی را از طریق وهم، حس ظاهر و مشترک می‌داند (ص ۳۹۵).

۵. ابن‌سینا، *الاشارات و التنبیها*، ج ۲، ص ۳۵۴ - ۳۵۳. «یکاد زیتها یضیء...»: نزدیک است که روغنش، هر چند بدان آتشی نرسیده باشد، روشنی ببخشد.

۶. ابن‌سینا در مقدمه کتاب *منطق‌المشرقین*، این کتاب را «حاوی امهات علوم حقیقی» می‌داند که «فقط کسی قادر به استنباط آن علم حقیقی می‌باشد که بسیار نظر کرده و از جودت حدس هم دور نبوده و...». سپس در ادامه بیان می‌کند که «این کتاب را تألیف نکردم مگر برای کسانی که به منزله قائم‌مقام ما هستند» (ابن‌سینا، *منطق‌المشرقین*، ص ۴). از آنجاکه ابن‌سینا در استنباط علم حقیقی به نقش حدس اشاره دارد و از سویی این کتاب را مناسب کسانی می‌داند که در مقام علمی او هستند، می‌توان دریافت که ابن‌سینا توانایی کسب معرفت موجود در این کتاب را در گرو برخوردار بودن از «شهود عقلی» می‌داند. بنابراین همچنان‌که منظور از شهود در آثار مشایی ابن‌سینا، «شهود عقلی» است، در آثار مشرقی او نیز بدین صورت است.

چنان‌که گذشت، قرار گرفتن اهداف تعلیم و تربیت در ذیل مراتب نفس، گویای این امر است که نمی‌توان دیدگاه ابن‌سینا در زمینه تعلیم و تربیت را به تعلیم و تربیت رسمی محدود دانست. اما برای تحقق بخش عمده‌ای از این اهداف در نظام تعلیم و تربیت رسمی در نظر گرفتن عواملی الزامی است.

عامل اول، دقت در گزینش معلمان و مربیان به ویژه در دوره‌های آمادگی و ابتدایی است. ابن‌سینا در این باره توصیه می‌کند که باید در انتخاب آموزگار و مربی برای کودک دقیق شد که خردمند و دیندار باشد، به راه تهذیب اخلاق و پرورش و تربیت کودک آشنا و بی‌نا باشد، باوقار و سنگین، بامروت و پاک‌دامن و نظیف باشد و راه معاشرت را بداند؛<sup>۱</sup> چرا که چنین آموزگاران هستند که با تدابیر، گفتار و رفتار خود، منشأ تحولات عمیق در کودکان و جهت‌دهنده آنها در مسیر دستیابی به کمال می‌شوند. تأملی در نظام آموزشی کشور نشان می‌دهد که این امر در نظام تعلیم و تربیت ما به شدت نادیده گرفته شده و از این میان، تنها به سابقه آموزگار توجه می‌شود و حتی امکان و نه لزوماً سعی می‌شود از آموزگاران باسابقه برای مقاطع پایین‌تر تحصیلی استفاده شود.

دو عامل دیگر، متوجه شخص متری است و آن، شروع آموزش با رشد نسبی جسمانی کودک به عنوان ابتدایی‌ترین مسئله، و در نظر داشتن تفاوت‌های فردی موجود میان متریان به عنوان مهم‌ترین مسئله است. ابن‌سینا در این باره بیان می‌دارد که آموختن علوم باید از زمانی آغاز شود که بدن کودک رفته رفته شکل کامل خود را پیدا می‌کند؛ یعنی هنگامی که بند بند بدنش محکم می‌شود و گوش‌ها و زبان به طور صحیح عمل می‌کنند. همچنین آدمیان از حیث عقول و آرا متفاوت آفریده شده‌اند و برابری و تساوی احوال و نزدیکی اندازه‌های افراد بشر به فسادشان منجر می‌شود و بالاخره باعث اضمحلال و انقراضشان می‌گردد؛ از این رو استادی که می‌خواهد حرفه‌ای را بیاموزد، باید بداند که نمی‌تواند به هر شاگردی هر حرفه‌ای را بیاموزد؛ بلکه باید به هر کس، مناسب ذوق و استعدادش، حرفه آموخت؛ وگرنه تعلیم و تربیت نتیجه مطلوب را نمی‌دهد.<sup>۲</sup> بنابراین در نظر گرفتن این دو عامل در کنار عامل اول در میزان تحقق کیفیات تصریح‌شده نقشی اساسی دارد.

۱. ابن‌سینا، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۵ - ۴۷.

## نتیجه گیری

پژوهش حاضر با مد نظر قرار دادن این نگرش که در تربیت آدمی نباید تنها بر جنبه جسمانی تأکید داشت و از جنبه روحانی و نفسانی وجود او غافل ماند یا آن را کم‌اهمیت پنداشت، بحث اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس را وجهه همت خود قرار داد. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از این است که هدف نهایی تعلیم و تربیت، دستیابی به سعادت حقیقی یا همان تشبه نفس به جواهر عقلی است که رسیدن به آن در گرو برخورداری آدمی از استعداد کافی و پاکسازی موانع از وجود خود است و در اینجا است که ضرورت پرورش عقل نظری و رهایی آن از کشمکش‌های نفسانی و اصلاح جزء عملی نفس، آشکار می‌گردد. اهداف واسطه‌ای پژوهش، که با توجه به مراتب نفس مطرح شد، وسیله‌ای برای تحقق این هدف نهایی هستند که بایسته‌های این اهداف در زیر چتر بایسته‌های هدف نهایی قرار می‌گیرند.

حفظ حیات جسمانی و توجه به بقای نوع و نیز تأثیرپذیری جنین از حالات و رفتار مثبت مادر، اهداف واسطه‌ای تعلیم و تربیت در مرتبه نفس نباتی است که بایسته‌های آنها به ترتیب بهره‌گیری از دستورالعمل‌های دانشمندان زیست‌شناسی و متخصصان بهداشت و امور تغذیه، و خشمناک و اندوهگین نشدن مادر در دوران بارداری است.

اهداف واسطه‌ای تعلیم و تربیت در مرتبه نفس حیوانی شامل دو هدف پرورش حواس و جهت‌دهی صحیح آنها، و تأمین سلامت جسم و روان است. آنچه در دیدگاه ابن‌سینا برای تحقق هدف نخست مورد توجه قرار گرفته، بازی و داستان‌پردازی است و جهت‌دهی صحیح حواس نیز با کاربرد صحیح قوا و تأثیرناپذیری آنها از قوای مفسده و مضره نفس حیوانی امکان‌پذیر می‌گردد. در زمینه هدف دوم، تأکید ابن‌سینا بر ورزش، و برنامه رشد و نمو و بهداشت به منظور تأمین سلامت جسم، و جهت‌دهی صحیح قوا و القا کردن ضبط و مهار هیجانات برای تأمین سلامت روان است. البته دیدگاه ابن‌سینا بر دستورالعمل‌هایی برای تأمین سلامت روان کودک نیز مشتمل است.

در مرتبه نفس انسانی باید به چندین هدف اساسی برای تعلیم و تربیت توجه داشت: هدف نخست، ایجاد عادات، اخلاق و فضایل پسندیده است. ابن‌سینا در خصوص این هدف بر شروع تربیت اخلاقی از پایان دو سالگی، مواجه کردن کودک با اخلاق نیکو، صفات پسندیده و عادات ستوده در سنین پایین و جهت‌دهی رفتار متربی در سنین بالاتر تأکید دارد.



اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن‌سینا درباره نفس

توجه ویژه به محیط و اصلاح اوضاع نامناسب محیطی، اعمال روش‌های مثبت و منفی برای اصلاح رفتار نامطلوب و افزایش نیرومندی رفتارهای مطلوب از جمله بایسته‌های این هدف‌اند؛

هدف دوم خودشناسی برای خودسازی است که آنچه ابن‌سینا برای تحقق این هدف بر آن تأکید دارد، آگاهی یافتن از تمامی عیوب و صفات بد نفس و احاطه یافتن بر آنها، و نیز مساعدت دوستی دانا و مهربان در زمینه شناخت این عیوب است. بایسته لازم به منظور پرورش قوه عاقله و وصول به مرتبه عقل بالفعل، به عنوان یکی دیگر از اهداف مرتبه نفس انسانی، به کارگیری هر چه بیشتر این قوه و حل مسائل دشوار است که در این راستا می‌توان از قرار دادن تکالیف نسبتاً دشوار در بخشی از محتوا و برنامه درسی، ترتیب دادن آموزش‌های گروهی و دسته‌جمعی، علم‌آموزی و تأمل درباره مسئله و تن دادن به محتمل‌الوقوع بودن آن بهره گرفت؛

هدف واسطه‌ای دیگر، قطع نظر از علائق مادی و دنیوی است که اقدام لازم برای دستیابی به این هدف، کنترل قوای حیوانی نفس و جلوگیری از تسلط بی‌رویه آنها بر قوای ناطقه نفس، و نیز تشدید کردن علاقه خود به عالم آخرت است؛ هدف آخر، رشد شهودی متربی است و آنچه باعث این رشد می‌شود، صفا و جلای باطن است که با خویشتن‌پالایی و تهذیب و تزکیه نفس حاصل می‌گردد.

تبیین اهداف تعلیم و تربیت بر اساس نفس نیز نشان داد که نمی‌توان دیدگاه ابن‌سینا در زمینه تعلیم و تربیت را به تعلیم و تربیت رسمی محدود دانست و توجه به سلامت جسم امری است که در هر مرتبه از نفس باید مورد توجه قرار گیرد. نتایج نیز نشان داد که اگر چه ابن‌سینا قوی بودن قوه حدس را استعداد شدید آدمی برای اتصال به عقل فعال می‌داند که بر اثر این اتصال صور موجود در عقل فعال در او مرتسم و منقش می‌گردد و با این بیان به شهود و مکاشفه اشاره دارد، اما این شهود نیز همان شهود عقلی است. از این رو نظام تربیتی ابن‌سینا، نظامی است عقلانی (نظامی با بن‌مایه‌های عقلی).

پژوهش همچنین بیانگر بود که در نظر ابن‌سینا گزینش معلمانی با ویژگی‌های برجسته اخلاقی، برخوردار از دانش کافی و آگاه به نحوه تربیت کودک، شروع آموزش با رشد نسبی جسمانی کودک و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی میان افراد، سه عاملی هستند که در میزان تحقق اهداف، نقشی اساسی دارد.

## منابع

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ابن سینا و تدبیر منزل، ترجمه محمد نجمی زنجانی، مجتمع ناشر کتاب، تهران، ۱۳۱۹.
۲. \_\_\_\_\_ رساله نفس، مقدمه و حواشی و تصحیح موسی عمید، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱.
۳. \_\_\_\_\_ النجاه من الغرق فی بحر الضلالت، ویرایش و دیباچه محمدتقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴.
۴. \_\_\_\_\_ منطق المشرقین و القصیده المزدوجه فی المنطق، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۴.
۵. \_\_\_\_\_ قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (ههژار)، سروش، تهران، ۱۳۶۸.
۶. \_\_\_\_\_ المباحثات، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۱.
۷. \_\_\_\_\_ احوال النفس (رساله فی النفس و بقائها و معادها)، تحقیق احمد فؤاد اهوانی، دار احیاء الکتب العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاء، ۱۳۷۱ق.
۸. \_\_\_\_\_ دانشنامه علائی (طبیعیات)، مقدمه و حواشی و تصحیح سیدمحمد مشکوة، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۳.
۹. \_\_\_\_\_ رسائل، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۰ق.
۱۰. \_\_\_\_\_ الاشارات و التنبیها (مع الشرح للمحقق نصیرالدین محمد بن محمد بن الحسن الطوسی و شرح للعلامه قطب الدین محمد بن محمد بن ابی جعفر الرازی)، دفتر نشر کتاب، بی جا، ۱۴۰۳ق.
۱۱. \_\_\_\_\_ التعليقات، تحقیق عبدالرحمن بدوی، مرکز النشر - مکتب الاعلام الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۱۲. \_\_\_\_\_، الشفاء (الطبیعیات، مقاله الاولی و الخامس و الفن الثالث)، مقدمه دکتر ابراهیم مدکور، مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، الشفاء (الالهیات، مقاله الاولی، التاسع و العاشر)، مقدمه دکتر ابراهیم مدکور، مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، ج ۱، مدرسه، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. پاک‌سرشت، محمدجعفر، «نظریه‌های تربیتی و چالش‌های نظریه‌پردازی در آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، ۱۳۸۶، شماره ۲۰، ص ۱۴۸-۱۲۵.
۱۶. جاویدی‌کلاته جعفرآبادی، طاهره، «رویکردهای فلاسفه اسلامی به نفس و دلالت‌های تربیتی آن»، دو فصلنامه انسان‌شناسی، شماره هفتم، سال چهارم، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۷.
۱۷. حسین‌زاده یزدی، محمد، **کاوشی در ژرفای معرفت‌شناسی ۲: منابع معرفت**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۶.
۱۸. زیباکلام، فاطمه و حیدری، سمیرا، «بررسی دیدگاه ابن‌سینا در باب تعلیم و تربیت»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی‌وهشتم، ۱۳۸۷، شماره ۳، ص ۱۱۴-۸۹.
۱۹. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمدبن‌ابراهیم، **الحکمه العرشیه**، ترجمه غلامحسین آهنی، مولی، تهران، ۱۳۶۱.
۲۰. \_\_\_\_\_، **مفاتیح الغیب**، تصحیح و مقدمه محمد خواجوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳.
۲۱. \_\_\_\_\_، **الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة**، ج ۸ و ۹، مکتبه المصطفوی، قم، ۱۳۶۸.
۲۲. \_\_\_\_\_، **مجموعه الرسائل التسعه**، تصحیح و تحقیق حامد ناجی اصفهانی، حکمت، تهران، ۱۳۷۵.

۲۳. \_\_\_\_\_، الشواهد الربوبية، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم، ۱۳۸۲.

۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، شرح اسفار، جلد ۸، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۴.

۲۵. ملکی، حسن، تعلیم و تربیت و مهندسی فرهنگی، رشد فرهنگ، گرگان، ۱۳۸۸.

۲۶. نقیبزاده، میرعبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، طهوری، تهران، ۱۳۸۶.

27. Al Naqib, A. R. *AVICENNA*, Paris, *UNESCO: International Bureau of Education*, Vol. XXIII, No 1/2, 1993, p 53-69.

